

## متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و هشتم خارج اصول 25 بهمن 1399

## بسمه تعالی

## مبحث نهم دوران امر بین نسخ و تخصیص

عن ابی جعفر علیه السلام : «کلُّ ذنبٍ یُکْفَره القتل فی سبیل الله الا الدین لا کفاره له الا أدائه أو یقضی صاحبه أو یعفو الذی له الحق»

حلول ماه مبارک رجب را با شروع میلاد با برکت امام ابوجعفر الباقر علیه السلام، محضر شما اعزه تبریک عرض می کنم. به مناسبت بحث های روز شنبه، نکاتی را عرض می کنیم: هفته گذشته در درس فقه از اغتنام فرصت سخن گفته شد که یک اصل ریشه دار عقلی عقلائی است و در مکتب و مذهب ما بر آن تأکید ویژه شده است. یکی از فرصت ها، زمان هایی است که برای انسان پیش می آید، منو شما به تعداد سنی که داریم بر ما ماه رجب، شعبان و رمضان گذشته است، از تراث دینی استفاده می شود که این سه ماه ویژگی خاصی دارند از جمله رجب که گاهی ماه خدا یا ماه ائمه ع معرفی شده است، گاهی هم رمضان ماه خدا اعلام شده است. منافاتی ندارد از یک جهت رجب ماه خداوند باشد و از طرفی رمضان ماه خداوند باشد زیرا مثبتین هستند و مثبتین تنافی ندارند. مهم این است که انسان احساس کند این ها فرصت هست و از این فرصت ها استفاده کند، معارف اهل بیت ع فرصت است؛ ممکن است بعضی کفران فرصت کنند و بعضی اغتنام داشته باشند.

یک بحثی است که خود اغتنام چگونه است؟ نکند چیزی را جمع کنیم ولی بعداً معلوم شود که سودی نداشته است، در تاریکی فکر کنیم طلا جمع می کنیم و بعد مشخص شود که سنگ بوده است. اغتنام مصادیق قطعی و مشکوک دارد. اما اینکه انسان خودش را بسازد، اگر دینی بر گردنش است از خدا یا مردم، آن را ادا کند؛ این بار زدن و ادا دین کردن قدر مسلم از اغتنام فرصت است. همگی ما به این حدیث نیاز داریم از مرجع تقلید و شخصی که در هرم قدرت است تا توده مردم، عجیب این است که در بسیاری از مردم فراموش شده است.

این روایت از نظر سند خوب است اما بسیار سُبک روشی است در اینگونه احادیث که پشتیبان از عقل و قواعد عام دارد، دنبال سند بگردیم اما در عین حال محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن حنان بن سدر عن ابیه عن ابی جعفر ع؛ روایت موثقه است به خاطر سدر بن حکیم صیرفی، یا بگوید صحیحیه یا معتبره؛ همچنین محمد بن ثلاث نیز روایت را نقل کرده اند. می فرمایند: اگر کسی در راه خدا به شهادت برسد [قاعدتاً ایمان هم دارد] بقیه گناهان او را خدای غفور چشم می پوشد مگر دین و حق مردم [وجه مالی و غیر آن، یا کلمه دین غیر مالی را شامل شود یا مناط آن] این کفاره ای ندارد [حتی شفاعت هم نمی تواند کفاره دین باشد مگر اینکه خود شفیع ادا کند] جز اینکه خودش بپردازد یا صاحب بدهکار آن را ادا کند [مثلاً ورثه دین میت را بدهند] یا صاحب حق عفو کند.

در روایتی آمده: از بنی نجار شهیدی آوردند و پیامبر ص نماز او را خواندند اما فرمودند آیا کسی از بنی نجار حضور دارد؟ صاحب آن ها تا در بهشت رفته اما اجازه ورود ندارد به خاطر سه درهم برای فلان یهودی. بعد امیر المؤمنین ع می فرمایند: شهید هم بود.

بنده بیش از همه محتاج به نصیحت هستم وقتی پیامبر خاتم ص به بعضی از اصحاب می فرمودند مرا موعظه کن، وقتی میرزای بزرگ معلم اخلاق داشت، شیخ انصاری نقل می کنند برای ایشان معلم اخلاق می آمد؛ آن ها که نیاز داشتند به موعظه پس امثال ما بیشتر نیاز داریم. الان زمانی شده است که برخی گناهان حتی برای خواص زشتی خود را از دست داده اند اما برخی وقتی

دینی بر گردنشان است شب نمی توانند بخوابند تا دین را ادا کنند. آن ها که گاهی در تریبون های عام مطالب خلاف واقع، تعییب شخص و... را می گویند آیا نسبت به این ها حساس هستند؟ امیدوارم یک مقداری متنبه تر گردیم، ماه رجب زبان ها بیشتر کنترل شود و ای کاش در جامعه، این گناهان آن قدر پلشت انگاری شود تا افراد سراغ آن ها نروند. این ها باعث می شوند برکت و آسایش از جامعه برود.

بحث در دوران امر بین نسخ و تخصیص بود. گفته شد جناب شیخ انصاری ابتدا دو اصل درست می کند که کجا احتمال تخصیص نمی رود و کجا احتمال نسخ نمی رود، ثمره آن ها کجاست بعد مشکل مربوط به خصوصاتی که بعد از عمومات آمده را مطرح نمود؛ سپس سراغ مرحوم آخوند رفتیم، ایشان فرمود: رابطه عام و خاص سه نوع دیده می شود. اما عملاً دو نوع را می پذیرد. خاص مخصص باشد، ناسخ باشد، منسوخ باشد. در درس گذشته سه صورت خوانده شد اما صورت چهارم در کفایه این است: عام بعد از وقت عمل به خاص بیاید، یعنی اول یک خاصی بیاید بعد به آن عمل شود و بعد عامی بیاید [لازم نیست عام در راستای خاص باشد چون متخالفین فرض شده است لذا ضد آن خاص می باشد] مثل اینکه شرب خمر را اجازه دهد در غیر صلاۀ بعد عام بیاید و بگوید در هیچ زمانی شراب نخورید یا ربا در یک حدی حرام بشود بعد گفته شود نه مطلقاً حرام است. اینجا همه زمینه ها آماده است تا بگوییم خاص، نسخ شده است ولی از بس نسخ، نادر است اظهر این است که بگوییم مخصص است. لذا خاص متقدم، مخصص عام بعدی واقع می شود.

از آقای آخوند می توان پرسید: وقتی دلیل اول شراب را در نماز حرام کرد بعد مطلقاً حرام شد، طبق عبارت شما نتیجه این می شود که شراب فقط در نماز حرام باشد زیرا قرار شد تخصیص بزند.

امروز سراغ محقق نائینی می رویم. ایشان حرف های زیادی دارد و با اینکه سعی کردیم تلخیص کرده باشیم باز هم دوصفحه شده است اما حرف های خوبی است که مقداری از آن را امروز آغاز می کنیم.

ایشان ابتدا سخنان شیخ را می آورد و بر جناب شیخ ایراد می گیرد. شیخ اعظم نسبت به عمومات و مطلقاتی که جلوتر آمده و سال ها به آن ها عمل شده بعد مخصص آن ها آمده، سه احتمال داد؛ یکی اینکه آن ها را ناسخ بشماریم و صحن شریعت را پر از ناسخ کنیم یا بگوییم این ها مخصص است و نگران نباشید که به عام ها عمل شده است زیرا قبلی ها هم مخصصات را می دانستند و بر ما مخفی مانده لکن بعداً توسط ائمه ع برای ما بیان شده است یا اصل مطلب را زیر سوال ببریم که بعد از عمل به عام نباید مخصص بیاید مثلاً بگوییم تکلیف عده ای از مردم ظاهراً عمل به عام بوده اما بعدی ها به عام تخصیص خورده عمل کنند. شیخ اولی را کنار زد مخصوصاً در زمان انقطاع وحی و دومی را نیز احتمال بعیدی می شمارد که مخصص ها مخفی شده باشند و احتمال سوم را می پذیرد.

نائینی می فرماید: اتفاقاً احتمال دوم خیلی بهتر از سوم است و احتمال سوم به اول بر می گردد که نسخ باشد. مطالعه کنید تا جلسه آینده.

الحمد لله رب العالمین